

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

~~۸۷/۱۰/۱۷~~
۸۷/۱۰/۱۸



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام

جایگاه زنان در خلافت عباسی (۱۳۲-۵۳۳۴ ه.ق)

توسط:

آمنه روزگار

استاد راهنما:

دکتر محمد مهدی مرادی خلج

بهمن ماه ۱۳۸۶

۱۰۶۰۱۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه شیراز

۱۳۸۷ / ۹ / ۱۷

به نام خدا

جایگاه زنان در خلافت عباسی (۱۳۲-۵۳۳۴ ه.ق)

به وسیله:

آمنه روزگار

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

تاریخ

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ع

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: ع

دکتر محمد مهدی مرادی خلیج، استادیار بخش تاریخ (رئیس کمیته)

دکتر عزت الله نودری، دانشیار بخش تاریخ

دکتر محمد علی رنجبر، استادیار بخش تاریخ

بهمن ماه ۱۳۸۶

تقدیم به:

سرور و مولایم آقا ابوالفضل(ع)، مولایی که در بدو ورودم به دانشگاه همچون تک ستاره‌ای در آسمان علم و دانشم درخشید. تقدیم به پدر و مادرم که همواره در طول تحصیل یار و یاورم بودند و تقدیم به برادران عزیزم حسین و محمد.

سپاسگزاری

حمد و سپاس خداوند متعال را که نعمت وجود را در قالب انسانی مختار بر من ارزانی داشت به مصداق لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق بر خود لازم می‌دانم از زحمات و الطاف بی‌دریغ جناب آقای دکتر محمد مهدی مرادی خلیج که همواره در طول مدت تحصیل و طی مراحل مختلف پژوهش از راهنمایی‌های ایشان بهره برده‌ام صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از همکاری و مساعدتهای آقایان دکتر عزت‌الله نوذری و دکتر محمدعلی رنجبر، مشاوران محترم این پژوهش نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم و از خداوند متعال آرزوی موفقیت و بهروزی برای ایشان دارم.

از استاد گرامی آقای دکتر سعید حسام پور که قبول زحمت کرده و در جلسه دفاعیه این جانب به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی حضور به هم رسانیدند نیز تشکر می‌نمایم.

در پایان آرزوی موفقیت روز افزون برای جمیع اساتید محترم و دوستان ارجمندی که این جانب را به نحوی در تکمیل این پایان‌نامه یاری دادند دارم.

چکیده

جایگاه زنان در خلافت عباسی (۱۳۲-۳۳۴ ه. ق)

به وسیله:

آمنه روزگار

هدف این تحقیق بررسی جایگاه زنان در عصر عباسی در فاصله سالهای ۱۳۲-۳۳۴ ه. ق می‌باشد. با ظهور اسلام به عنوان یک دین اعتقادی، این دین شامل مجموعه‌ای از قوانین و دستورات برای تک تک افراد جامعه بود، که می‌بایست مجموعه‌ای از اصلاحات را برای سعادت آنها در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به اجرا درآورد. این امر زنان را نیز به عنوان اعضای از این اجتماع در بر گرفت. هر چند با اصلاحاتی که توسط پیامبر صورت گرفت، بهبود وسیعی در وضع زنان ایجاد شد، اما این امر دیری نپایید، زیرا با روی کار آمدن امویان و کناره‌گیری از سیره و سنت پیامبر، نوعی رجعت به عصر جاهلی آغاز شد و زن از صحنه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کنار زده شد و حوزه فعالیت وی به زمینه‌هایی معطوف شد که بسیاری از آنها با اخلاق اسلامی در تضاد بود. عباسیان اگر چه خود را به عنوان پرچمداران سیره و سنت پیامبر معرفی کردند، اما ایشان نیز به زودی سیاستهایی را اتخاذ کردند که بسیاری از آنها با روش پیامبر همخوانی نداشت. با گسترش فتوحات و افزایش کنیزان به عنوان بخشی از غنائم جنگی، این قشر به عنوان مجموعه‌ای تأثیرگذار بر سیاست، اقتصاد، اجتماع و هنر مطرح شد. زنان درباری نیز با وارد شدن به سیاست، بسیاری از تصمیم‌گیریهای سیاسی خلفا را تحت تأثیر قرار دادند. همچنین ایشان با اندوخته کردن ثروتهای زیاد به مهره‌های اقتصادی قابل توجه تبدیل شدند و سهم آنها در بسیاری از کارهای عام‌المنفعه اجتماعی انکار ناپذیر است. البته نباید روند رو به رشد حضور زنان در عرصه‌های مختلف را به معنای نبود محدودیتهای اجتماعی در این زمینه تلقی کرد، اما با وجود محدودیتهای اعمال شده، بسیاری از زنان توانستند در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و ... به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابند.

کلید واژه‌ها: زنان، کنیزان، عباسیان.

فهرست مطالب

عنوان.....صفحه

فصل اول: کلیات.....	۱
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۲
هدف تحقیق.....	۲
پرسش‌های تحقیق.....	۳
فرضیه‌های تحقیق.....	۳
روش انجام کار.....	۳
مروری بر تحقیقات انجام شده.....	۳
۱- مدخل: جایگاه زن از عصر جاهلی تا عصر اموی.....	
۱-۱- معنا و مفهوم زن.....	۶
۲-۱- جایگاه زن در عربستان قبل از اسلام.....	۶
۳-۱- جایگاه زن در جوامع و مذاهب مختلف.....	۸
۴-۱- جایگاه زن در جهان‌بینی اسلامی.....	۱۲
۵-۱- جایگاه زن در عصر اموی.....	۱۶

فصل دوم: ۲- کنیزان

۱-۲- مفهوم کنیز.....	۱۷
۲-۲- راه‌های به دست آوردن کنیزان.....	۱۷
۳-۲- انواع کنیزان از نظر نژاد و مذهب.....	۲۰
۴-۲- آموزش و پرورش کنیزان.....	۲۰
۵-۲- قیمت کنیزان.....	۲۲
۶-۲- تعداد کنیزان.....	۲۳
۷-۲- هزینه‌های کنیزداری.....	۲۴
۸-۲- دلایل روی آوردن به کنیزان در امر ازدواج.....	۲۵
۹-۲- پیامدهای مثبت کنیزان.....	۲۷

عنوان..... صفحه

۱۰-۲- پیامدهای منفی کنیزان..... ۲۸

فصل سوم: ۳- معرفی مادران، همسران و دختران خلفا و ائمه معاصر با عباسیان

۱-۳- معرفی مادران خلفا (۱۳۲- ۳۳۴ ه. ق)..... ۳۰

۲-۳- معرفی همسران و دختران خلفا (۱۳۲- ۳۳۴ ه. ق)..... ۳۶

۳-۳- معرفی مادران و همسران ائمه معاصر با عباسیان..... ۴۳

فصل چهارم: ۴- نقش زنان در امور سیاسی

۱-۴- دخالت زنان در کارهای سیاسی..... ۴۶

۲-۴- نقش زنان در پیوندها و گسست‌های سیاسی..... ۵۱

۳-۴- نقش زنان در دیوان مظالم..... ۵۲

۴-۴- نقش زنان در جاسوسی..... ۵۴

۵-۴- نقش زنان در جنگها..... ۵۵

فصل پنجم: ۵- نقش زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی، هنری و امور

شخصی زنان

۱-۵- نقش زنان در امور اقتصادی..... ۵۹

۱-۱-۵- ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی زنان..... ۵۹

۲-۱-۵- راههای به دست آوردن ثروت توسط زنان..... ۶۲

۳-۱-۵- نقش زنان در مشاغل و حرف..... ۶۳

۲-۵- نقش زنان در امور اجتماعی..... ۶۴

۱-۲-۵- نقش زنان در باری در کارهای عام‌المنفعه..... ۶۴

۲-۲-۵- میزان آزادی زن..... ۶۷

۳-۲-۵- احترام به زن در جایگاه مادر..... ۶۹

۴-۲-۵- غیرتمندی نسبت به زن..... ۷۰

۳-۵- نقش زنان در علم و فرهنگ..... ۷۱

۱-۳-۵- کنیزان، بانوان و سطح سواد..... ۷۳

۲-۳-۵- زنان محدث و راوی حدیث..... ۷۳

۳-۳-۵- زنان صوفی، عابد و عارف..... ۷۶

عنوان..... صفحه

۴-۵- نقش زنان در امور هنری..... ۸۰

۱-۴-۵- نقش کنیزان در خوانندگی..... ۸۰

۲-۴-۵- توجه خلفای عباسی به موسیقی و تأثیر آن بر کنیزان و زنان درباری خواننده..... ۸۱

۳-۴-۵- معرفی کنیزان و زنان درباری خواننده و نوازنده در دوره عباسی..... ۸۴

۵-۵- امور شخصی زنان..... ۹۰

۱-۵-۵- پوشش و آرایش زنان..... ۹۰

۲-۵-۵- مراسم ازدواج..... ۱۰۰

نتیجه‌گیری..... ۱۰۲

منابع و مآخذ..... ۱۰۴

فهرست شکل‌ها و تصویرها

صفحه	عنوان
۹۵.....	شکل شماره ۱- پوشش زنان عباسی.....
۹۶.....	شکل شماره ۲- پوشش زنان عباسی.....
۹۷.....	شکل شماره ۳- پوشش زنان عباسی.....
۹۸.....	شکل شماره ۴- پوشش زنان عباسی.....
۹۹.....	شکل شماره ۵- پوشش زنان عباسی.....

فهرست نشانه‌های اختصاری

س = سلام الله عليه

ش = شاهنشاهی

ف = فوت، وفات

ع = عليه السلام

هـ. ق = هجری قمری

م = میلادی

(؟) = بدین معنا که نگارنده در این مورد اطلاعی در کتب مختلف به دست نیاورده است.

فصل اول

کلیات

مقدمه

انتقال حکومت از امویان به عباسیان، نقطه عطفی در سیر تحولات اسلامی محسوب می‌گردد. عباسیان اگرچه در طی حکومت ۵۲۴ ساله خویش تغییراتی گسترده در نظام سیاسی اسلام به وجود آوردند، اما قدرت خلافت در زمانهای مختلف دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. مورخان بر اساس کاهش و افزایش این قدرت تقسیم‌بندی‌هایی به دست داده‌اند، از جمله دوره عباسی را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند:

۱- از سال ۱۳۲ تا ۲۳۲، که دوران نیرومندی، گسترش و شکوفایی عصر عباسی است، با وجود اینکه عباسیان در دوره اول با مشکلات داخلی و خارجی متعدد روبرو بودند، اما در سایه حاکمیت مقتدر، حکومتشان را به سطح بالایی از توانمندی سیاسی و اجتماعی ارتقاء دادند.

۲- سال ۲۳۲ تا ۳۳۴، ویژگی مهم این دوره ضعف خلافت و از میان رفتن تدریجی هیبت آن و افزایش قدرت ترکان بود.

۳- ۳۳۴ تا ۴۴۷، ویژگی مهم این دوره ارتباط آنان با آل بویه است که در عراق از نفوذ واقعی برخوردار بودند و خلیفه در این دوره نفوذش را از دست داد.

۴- دوره آخر ۴۴۷ تا ۶۵۶ و در نهایت سقوط بغداد به دست مغولان و از بین رفتن خلافت عباسیان است. در این دوره، نفوذ سلجوقیان ترک امری مشهود می‌باشد. (طوقش، ۱۳۸۰: ۳۹-۴۱)

در پایان‌نامه مورد نظر، به جایگاهی که زنان درباری، کنیزان و سایر زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی در دو مرحله نخست یاد شده از عباسیان داشته‌اند، پرداخته خواهد شد و چگونگی نقش‌آفرینی آنها، در دوران اقتدار خلافت و نیز زمان افول سیاسی تدریجی آن بازگو خواهد گردید.

پایان‌نامه حاضر از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است. در فصل اول به جایگاه زن از عصر جاهلی تا عصر اموی پرداخته خواهد شد. در این فصل موضوعاتی از قبیل جایگاه زن در عربستان قبل از اسلام، جایگاه زن در جوامع و مذاهب مختلف، جهان‌بینی اسلامی و عصر اموی

در خور نگرش می‌باشد.

در فصل دوم با توجه به اهمیت کنیزان و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که در عصر عباسی به جا گذاشتند، به موضوع کنیزان و امور مربوط به آنها پرداخته خواهد شد. در فصل سوم به معرفی مادران، همسران و دختران خلفای این دوره از سال ۱۳۲ تا ۳۳۴ هـ.ق و همچنین معرفی مادران و همسران ائمه معاصر با عباسیان در این محدوده از زمان پرداخته خواهد شد.

در فصل چهارم به نقش زنان در امور سیاسی و جنبه‌های مختلف این نقش‌آفرینی از قبیل دخالت در کارهای سیاسی، نقش زنان در پیوندها و گسست‌های سیاسی، نقش‌آفرینی در دیوان مظام، پرداختن به جاسوسی و شرکت در جنگها پرداخته خواهد شد. در فصل پنجم به نقش زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی، هنری و امور شخصی زنان از جمله پوشش و آرایش و ازدواج پرداخته خواهد شد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در برخی از منابع و مآخذ که در ارتباط با عباسیان نوشته شده است، ادعا گردیده، زنان یکی از عوامل موثر در تضعیف دولت عباسی بوده‌اند. بررسی انگیزه‌ها و مؤلفه‌های موثر در دخالت زنان در امور و چگونگی تأثیرگذاری احتمالی آنها در تضعیف دولت عباسی و در کنار آن واکاوی تأثیرگذاری مثبت زنان در این دوران ضرورت می‌یابد، تا از یک سو صحت و سقم ادعای مذکور مطرح گردد و از دیگر سو با ارائه مستندات در ایضاح مطلب کوشش به عمل آمده باشد.

هدف تحقیق

هدف تحقیق، شناسایی جایگاه زنان و چگونگی نقش‌آفرینی آنها در خلافت عباسی در فاصله سالهای ۱۳۲ تا ۳۳۴ هـ.ق می‌باشد. علاوه بر آن هر یک از کتب تألیف شده در ارتباط با موضوع زنان، به بررسی جزئی، نظری و تئوریک از جایگاه و نقش زنان در این دوره پرداخته‌اند و کمتر دارای جنبه‌های چگونگی و تبیین مسائل مربوط به زنان می‌باشند، در پایان‌نامه مورد نظر برای دست‌یابی به این مهم تلاش خواهد شد.

پرسش‌های تحقیق

جایگاه زنان در دو مرحله نخست خلافت عباسی چگونه بوده است؟
زنان در چه اموری نقش داشتند؟

فرضیه‌های تحقیق

زنان درباری از جایگاه برتری برخوردار بوده‌اند و در دوره خلفای چون هادی، هارون‌الرشید و مقتدر نفوذ بیشتری در کارها داشته‌اند.
زنان در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی، فرهنگی و هنری نقش داشته‌اند.

روش انجام کار

روش تحقیق در این پایان‌نامه مبتنی بر روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده است. بدین ترتیب که پس از انتخاب موضوع و شناسایی تفصیلی منابع و مآخذ، داده‌های آنها فیش‌برداری و بر اساس طرح مورد توافق با استاد راهنما، دسته‌بندی گردیده است. در مرحله بعد انسجام دادن داده‌های روایی در سامان‌دهی جایگاه زنان، مبنای بهره‌گیری از اطلاعات مندرج در کتب بوده است. با پاسخ به سؤالات مطروحه در تحقیق به تجزیه و تحلیل، تعیین فصلها، و در نهایت تنظیم مطالب پرداخته شده است.

مروری بر تحقیقات انجام شده

در زمینه جایگاه زنان در خلافت عباسی از سال ۱۳۲-۳۳۴ هـ. ق که موضوع پایان‌نامه حاضر می‌باشد، اثر جامعی که به بررسی این موضوع در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری آن پرداخته باشد وجود ندارد. اما کتابها و مقالاتی در زمینه‌های نزدیک به این موضوع و یا پیرامون بعضی از جنبه‌های مختلف آن در منابع نخستین و نزدیک به عصر ما وجود دارد که در ادامه معرفی اجمالی از آنها صورت خواهد گرفت.

کتابهای مرتبط با این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد: ۱- منابع
متقدم: از جمله این کتب می توان از «تاریخ یعقوبی (التاریخ)» تألیف احمد بن ابی یعقوب
مشهور به ابن واضح یعقوبی (ف. ۲۸۴هـ ق) نام برد. وی در جلد اول به تاریخ پیش از اسلام و
عصر پیامبر خاتم (ص) می پردازد و در جلد دوم، دوران پس از پیامبر خاتم را تا معتمد عباسی
بررسی می کند. در این کتاب اطلاعاتی در مورد مادران، همسران و دختران خلفا و نحوه
برگزاری مراسم ازدواج وجود دارد.

«تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوك» این کتاب اثر ابوجعفر محمد بن جریر بن خالد
بن طبری (ف. ۳۱۰هـ ق) است. این کتاب مشتمل بر حوادث تاریخی از آغاز آفرینش تا سال
۳۰۲هـ ق است. در تاریخ طبری از نقش زنان در زمینه های اقتصادی، سیاسی و همسران و
دختران خلفا و مراسم ازدواج صحبت شده است.

«مروج الذهب و معادن الجواهر» تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (ف. ۳۴۶هـ ق)
است. در این کتاب حوادث مختلف تا سال ۳۳۶هـ ق و خلافت مطیع عباسی به نگارش در آمده
است و حاوی اطلاعاتی درباره مادران، همسران و دختران خلفا، نوع نگرش به زن در این دوره و
نقش زنان در زمینه های مختلف است.

«التنبیه و الاشراف» اثر دیگر ابو الحسن علی بن حسین مسعودی است. این کتاب
مشتمل بر تاریخ قبل و بعد از اسلام تا زمان تألیف کتاب است. نقش زنان در امور سیاسی و
اطلاعاتی درباره مادران خلفا از مطالبی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

«الآغانی» تألیف ابوالفرج اصفهانی (ف. ۳۵۶هـ ق) منبع ارزشمندی درباره شرح حال
موسیقی دانها و خوانندگان از زمان جاهلیت تا دوره زندگی مولف است. با بررسی این منبع
می توان اطلاعاتی در مورد زنان خواننده در دوره عباسی به دست آورد.

«الکامل فی التاریخ (تاریخ کامل)» این کتاب نوشته عز الدین ابو الحسن علی بن الکریم
الشیبانی (ابن اثیر) (ف. ۶۳۰هـ ق) است. در این کتاب وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال
۶۲۸هـ ق به رشته تحریر در آمده است. از آنجا که ابن اثیر بیشتر مطالب خود را از طبری اخذ
کرده است بیشتر مباحث مربوط به زنان در این دو کتاب مشابه است.

«تاریخ فخری (منیة الفضلا فی تواریخ الخلفا و الوزراء)» تألیف ابوجعفر محمد بن تاج
الدین ابوالحسن (ابن الطقطقی) است. در این کتاب از مطالب مهم تاریخی از جمله مملکت داری
خلفا و وزرای ایشان، نقش زنان در امور سیاسی، مادران، همسران و دختران خلفا صحبت شده
است.

۲- کتب و مقالاتی که به طور خاص به موضوع زنان پرداخته اند:

«حقوق زن در اسلام و جهان» (۱۳۴۳) نوشته یحیی نوری، از جایگاه زن در قبل و بعد از
اسلام و حقوق وی در جامعه اسلامی و اروپا سخن به میان آورده است.

«درسهایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ» (۱۳۶۸) نوشته احمد بهشتی است و در آن مطالبی درباره مادران ائمه که در دوره مورد نظر زندگی می‌کرده‌اند وجود دارد.

«زن در پویه تاریخ» (۱۳۷۱) مقاله‌ای به قلم محسن علینی است و به جایگاه زن قبل از اسلام و جایگاه وی در جهان‌بینی اسلامی پرداخته است.

«بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و تطبیق الگوی صدر اسلام با جامعه کنونی» (۱۳۷۴) نوشته ثریا مکنون و مریم صانع‌پور است و درباره همسران ائمه در این دوره سخن به میان آورده است.

«اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام» (۱۳۷۹) این کتاب نوشته عمر رضا کحاله است و اطلاعات زیادی در مورد مادران و همسران خلفا، زنان عابد، عارف، راوی حدیث، شاعر و خواننده در این دوره به ما می‌دهد.

«زنان در نخستین سده‌های اسلامی» (۱۳۸۴) نوشته صادق آیینه‌وند، در این مقاله به جایگاه و منزلت زن در قبل از اسلام و دوران اسلامی تا زمان عباسیان پرداخته شده است.

«زنان عارف» (۱۳۸۵) تألیف ابوالقاسم رادفر است و در آن از زنان عارف در طی دوره‌های مختلف بدون تقسیم‌بندی مشخص بحث شده است و در آن می‌توان اطلاعاتی درباره زنان عارف در دوره عباسی به دست آورد.

«نخستین زنان صوفی» (۱۳۸۵) تألیف ابوعبدالرحمن محمد بن حسین سلمی، اطلاعاتی درباره زنان صوفی و عارف در زمانهای مختلف از جمله دوره عباسی به دست می‌دهد.

«زنان در عرفان اسلامی» (۱۳۸۵) مقاله‌ای به خامه آن ماری شیمل است و در آن به تصوف و عرفان و زنان عارف و صوفی پرداخته است.

«زن از دیدگاه اسلام» (۱۳۵۶) تألیف علی ربانی خلخالی است و در مورد جایگاه زن قبل و بعد از ظهور اسلام مطالبی در آن بیان شده است.

«نهاية الارب فی فنون الادب» (بی‌تا) اثر شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب النویری است که در آن اطلاعات جامعی درباره زنان خواننده در دوره عباسی وجود دارد.

«ارزش زن» (بی‌تا) اثر قدسیه حجازی است و در آن به تفصیل از حقوق زن در ادیان زرتشتی، مسیحی، هندی و دولت‌های قبل و بعد از اسلام و سیر حقوقی وی در طول زمان بحث شده است.

«سیمای زن در آیین فقه شیعه» (۱۳۶۹) تألیف زهرا گواهی است و در این کتاب از جایگاه زن در جوامع مختلف، همچنین جایگاه و حقوق وی در جامعه اسلامی به تفصیل سخن به میان آمده است.

۱- جایگاه زن از عصر جاهلی تا عصر اموی

۱-۱- معنا و مفهوم زن

معنی لغوی زن، نقیصه مرد، مادینه انسان، همسر مرد و در زبان عربی امرأة، مرأة و در قرآن به صورت مفرد مرأة و امرأة و گاهی به صیغه اسم جمع چون نسوة و نساء و گاهی به صیغه تثنیه امرأتان و امرأتین آمده است. در قرآن کریم سه بار به کلمه نسوة اشاره شده و چهارمین سوره قرآن کریم نیز نساء نامیده شده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۹: ۸ / ۴۹۲)

۱-۲- جایگاه زن در عربستان قبل از اسلام

عرب جاهلی برای زن استقلال قائل نبود. به زن ارث نمی‌داد و معتقد بود آن کس که نمی‌تواند شمشیر بکشد و از قبیله دفاع کند، لایق ارث بردن نمی‌باشد. تعدد زوجات بدون هیچ محدودیتی جایز شمرده می‌شد. زندگی صحرانشینان و نیاز برای رسیدگی به احشام و اغنام و بافتن چادر، میل مفرط به افزایش فرزندان و تفاخر به آن، میل به افزایش نفرات قبیله به منظور دفاع در برابر مهاجمین از عواملی بود که باعث رواج یافتن تعدد زوجات در شبه‌جزیره عربستان شد. رفتار عرب با زنان ترکیبی از رفتار متمدنین ایران و روم و رفتار اهل توحش و بربریت بود. به زن حق شرکت در امور اجتماعی مثل حکومت و جنگ را جز در موارد استثنائی نمی‌دادند. زن در قبل از اسلام حد وسط بین انسان و حیوان بود و از او مانند انسان ضعیفی که باید به انسانهای متوسط کمک بدهد استفاده می‌شد. اعراب بی‌رحم و متعصب دختران معصوم خود را زنده به گور می‌کردند. این سنت تنها به اعراب اختصاص نداشت، بلکه اکثر اقوام ابتدایی و قرون وسطایی به خصوص چادرنشینان نیز به این کار می‌پرداختند. انگیزه اعراب در این کار علاوه بر تقلید از اقوام دیگر و عوامل اقتصادی، این بود که به هنگام جنگ و غارت دختر علاوه بر این که قدرت رزم نداشت، به دست دشمن می‌افتاد و از این طریق ننگی ابدی برای قبیله به جای می‌ماند. (طباطبائی، بی‌تا: ۴؛ خرمشاهی، ۱۳۷۹: ۸ / ۴۹۲؛ نوری، ۱۳۴۳: ۲۰ و ۳۸ و ۱۳۸؛ حاذقی، ۱۳۲۴: ۲۶؛ گواهی، ۱۳۶۹: ۲۵) البته این دخترکشی در سرتاسر عربستان شایع نبود و تنها بعضی از قبایل بودند که به این کار می‌پرداختند و وضعیت زنان در نقاط مختلف بسته به سطح فکر و روحیه آن قوم نیز بوده است. در بعضی از قسمت‌های عربستان زنها دارای قدرت حکومتی هم بوده‌اند و به امور مختلف می‌پرداختند. از جمله سد مأرب را ملکه سبا که تصور می‌شود بلقیس باشد بنا کرد. (حجازی، بی‌تا: ۳-۴۲)

در شبه جزیره عربستان انواع زناشویی وجود داشت: ۱- نکاح الاستبضاع (زناشویی جهت باردار شدن): این نکاح شرم‌آورترین نوع زناشویی‌ها به شمار می‌رفت و چنین بود که اگر مردی مایل بود فرزندی با قیافه و شکلی خاص، شجاع، سخنور، شاعر و یا کاهن داشته باشد، زنش را وا می‌داشت تا از مردی که دارای این صفات بود باردار شود. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۰؛ ربانی خلخالی، ۱۳۵۶: ۳۴)

۲- نکاح‌الرهط (زناشویی دسته‌جمعی): در این نوع زناشویی عده‌ای از مردان که باید تعداد آنها از ده تن تجاوز نکند، با رضایت هم با زنی رابطه برقرار کرده و مخارج او را به عهده می‌گرفتند. فرزندی که به دنیا می‌آمد اگر پسر بود پس از گذشت چند روز مادر وی یکی از مردان را به عنوان پدر وی معرفی می‌کرد و او را از نقص بی‌پدری نجات می‌داد. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۱)

۳- نکاح‌البدل (زناشویی تعویضی): بر طبق این زناشویی هر مردی که از زن دیگری خوشش می‌آمد اجازه معاوضه داشت، یعنی زن خود را به مرد دیگری می‌داد و زن او را می‌گرفت و مدت این معاوضه نیز بستگی به توافقی داشت که بین طرفین صورت می‌گرفت و زن در این میان هیچ اختیاری از خود نداشت. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۲)

۴- نکاح‌المقت (زناشویی با خشم و زور): بر طبق این نوع از زناشویی اگر شخصی فوت می‌کرد زنش مانند سایر اموال وی در مرحله اول به پسر بزرگش تعلق می‌گرفت و این در صورتی بود که آن زن نامادری وی باشد. اگر پسر میل داشت وی را به همسری می‌گرفت و در غیر این صورت او را به دیگری می‌داد و صداق آن را می‌گرفت. اما اگر متوفی پسر بزرگ یا کوچکی نداشت این زن به مردان فامیل تعلق می‌گرفت. بدین ترتیب که هر یک از مردان فامیل بر حسب تمایل خویش زودتر پارچه‌ای بر سر زن می‌انداخت و او را به خانه می‌برد. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۴؛ ربانی خلخالی، ۱۳۵۶: ۳۵)

۵- نکاح‌الجمع (زناشویی همگانی): یکی دیگر از نکاح‌های اعراب جاهلی بدین صورت بود که ثروتمندان عرب به منظور تکثیر ثروت خود کنیزانی زیبا تهیه کرده و یا با زنان قرارداد می‌بستند و آنها را به نزد اساتید فن می‌فرستادند و رموز ادب و موسیقی و عشوه‌گری می‌آموختند و از طریق آنها کسب ارتزاق می‌کردند. این زنان قینات نامیده می‌شدند. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۵؛ ربانی خلخالی، ۱۳۵۶: ۳۵)

۶- نکاح‌الخدن (زناشویی دوستانه): خدن به معنای دوست و معشوقه است. در این نوع از نکاح زنان و مردانی که از عیاشی آزادانه بهره کمتری داشتند، با فرد مورد علاقه خود روابط محرمانه‌ای برقرار می‌کردند. این نوع از زناشویی در عین این که زناشویی معمولی محسوب نمی‌شد و مستلزم دادن نفقه و مهریه نبود، ولی باز هم خالی از رسمیت نبود و عرف محیط به رسمی و قانونی جلوه دادن آن معتقد بود. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۶)

۷- نکاح الشغار (زناشویی مبادله‌ای): در این مورد زنان و دختران به جای مهر و کابین دیگری قرار می‌گرفتند. به طور مثل مردی دختر یا خواهرش را زن کسی می‌ساخت و در برابر آن به جای اخذ مهریه دختر یا خواهر شخص را زن خود می‌ساخت. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۶)

۸- نکاح السفاح (زنا و روسپیگری): که بر طبق آن هر یک از زنان مخصوص این کار نام خاصی داشت و رسوم معمول زمان هر یک از آنان را به جهتی خاص قانونی می‌دانست. (نوری، ۱۳۴۳: ۳۷)

انواع طلاقها در شبه جزیره عربستان قبل از اسلام: ۱- طلاق غیر صریح یا کنایی: در برخی از قبائل و نواحی، قهر یا سفر کردن مرد و سکونت وی در جایی دیگر نشانه آن بود که با زنش متارکه کرده و زن نیز موظف بود پس از ملاحظه این اعمال منزل شوهر را ترک کند.

۲- طلاق صریح: این نوع از طلاق عرب با جملات خاص و یا سوگندهایی خاص ادا می‌شد و پس از اداء آن جملات و یا سوگند، زن مطلقه محسوب می‌شد. و سه نوع بود: الف. طلاق: که با جمله خاص "الحقی باهک" (به پیش کسانت روان شو) صورت می‌گرفت. ب. ظهار: در این نوع از طلاق شوهر به زنش خطاب می‌کرد "ظهرک علی کظهرامی" (پشت تو مانند پشت مادر من است). این سخن کنایه از این بود که تو به جای مادر و خواهر من هستی، پس از این جمله زن و مرد از هم جدا می‌شدند. پ. ایلاء: در این طلاق شوهر سوگند یاد می‌کرد که دیگر با زنش همبستر نشود. با این نوع از طلاق، زن نه آزادی کامل داشت تا بتواند دوباره شوهر کند و نه شوهر داشت تا از او بهره‌مند شود.

۳- طلاق ضرار: گاهی مردی به منظور شکنجه و آزار، زنش را طلاق می‌داد، ولی به همین مقدار قانع نبود و برای این که او را از ازدواج با دیگری و سر و سامان دادن باز دارد، دوباره رجوع می‌کرد. پس از انجام رجوع برای آنکه وظایف همسری و دادن نفقه به عهده‌اش نباشد، دوباره وی را طلاق می‌داد و همواره زن در میان طلاقها و رجوعهای پی در پی گرفتار بود. (نوری، ۱۳۴۳: ۴-۴۱)

۱-۳- جایگاه زن در جوامع و مذاهب مختلف

در آیین یهودیت تولد دختر موجب نفرت و بی‌اعتنایی مردم بود، زیرا تولد دختر را شوم و مقدمه فقر و بدبختی می‌دانستند. یهودی‌ها دختر خود را مانند کنیز معامله می‌کردند و به خود حق فروش او را می‌دادند. زنان عبرانی اختیار مداخله و اقدام در هیچ کاری نداشتند، مگر با مشورت پدر یا برادر یا شوهر. خانواده برای دختر شوهر تعیین می‌کرد و اراده دختر کمترین تأثیری در انتخاب شوهر آینده خود نداشت. ازدواج بر روی دو چیز متکی بود: یکی مهریه و دیگری هدایایی که از طرف داماد تقدیم عروس و خانواده او می‌شد. قدر و ارزش زن در نزد

یهودیان کمتر از مرد بود. مردان یهودی در دعای صبحگاهی خدا را سپاس می‌گفتند که آنها را زن نیافرید. البته بعضی از زنان با فضل و به خصوص مادران در میان یهودیان خیلی محترم و دارای مقام بزرگ و ارجمندی بوده‌اند. چنانکه بعضی از آنها به مقام حکمرانی و ریاست رسیدند. از جمله ملکه مادر یاریعام پادشاه بود که لقب شاهی را از پسرش بعلت ارتکاب گناهی گرفت و به خود اختصاص داد و مدت ۶ سال در حالی که ریاست قوم در آن مدت با او بود حکومت کرد. اما به طور کلی زنهای عبرانی در نزد مردها قابل حکومت و ریاست نبوده‌اند و از حیث آزادی سلطه شوهر بر زن بسیار قوی بود. تعدد زوجات در میان آنها رواج داشت و مقید به شرایط خاصی نبود. در آیین یهودیت از فحشا و بی‌عفتیهای زنان جلوگیری شده و مجازاتهای سخت برای آنها قرار داده و از طرفی ازدواج با اقارب را منع کرده است. (حجازی، بی‌تا: ۱۵-۱۰؛ عمادزاده، ۱۳۴۳: ۵۷؛ هوزی، ۱۳۳۹: ۱۸؛ گواهی، ۱۳۶۹: ۲۴) در آیین یهودیت حجاب و حفظ عفت مورد توجه بوده و به پوشاندن اندام از نامحرمان سفارش زیادی شده است. (کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۶)

در آیین مسیحیت مقام زن با مرد مساوی دانسته شده و خداپرستی برای هر دو تعیین شده است. بر خلاف آنکه عدل حضرت مسیح شامل حال زنان نیز بوده، اما در نظر پیشوایان دینت مسیح زن مقام خود را نداشته است، زیرا به ازدواج و مراسم آن که مهمترین وظیفه حیاتی و اجتماعی زن و مرد است با بی‌اعتنایی نگریسته شده و عدم توجه به این موضوع حیاتی مطابق با مصالح و شئون حیاتی و اجتماعی زن نیست. آیین مسیحیت رانده شدن انسان از بهشت را به دلیل فریب زن می‌دانست و آن گناه اولیه را که منجر به هبوط انسان شد به پای زن می‌نوشت. به اعتقاد مسیحیان گناه اولیه آدم باعث شد تا این گناه در گوهر همه انسانها سرشته شود، بنابراین همه انسانها به جز عیسی مسیح (ع) و مریم (س) با گناه متولد می‌شوند و به این ترتیب نقش زن (حوا) در گناه تمام انسان‌های روی زمین مشخص می‌شود. (حجازی، بی‌تا: ۱۷؛ قربان‌نیا، ۱۳۸۴: ۱/۴۳؛ گواهی، ۱۳۶۹: ۲۵)

در آیین بودا تا مدت‌ها در این مسأله تردید وجود داشت که آیا زنان نیز شایستگی هدایت دارند یا خیر و آیا می‌توان زنان را به آیین جدید فرا خواند؟ (علینی، ۱۳۷۱: ۶) در این آیین زندگی زناشویی آکنده از شهوات و پلیدی‌های دنیوی است و تولید نسل گناه محسوب می‌شود. (نوری، ۱۳۴۳: ۹) در آیین برهمنی زن شخصیت مستقلی نداشت، بلکه جزو مایملک پدر و شوهر بود. پدران و شوهران حق هرگونه دخالت و تصرف در فکر و اراده زن را داشته‌اند و زن حق نداشته است بدون اجازه همسر از خانه بیرون برود و حتی شوهر می‌توانست به علت بی‌عفاف همسر، او را طلاق دهد. (کاشانی، ۱۳۸۶: ۲۰) جامعه هند بیشتر به مردان توجه داشته است و یک دختر تنها در نتیجه به دنیا آوردن فرزند پسر می‌توانست امید خوشی و آرامش در دو جهان را داشته باشد و هر چه زودتر با این فیض نائل می‌آمد بهتر بود. روی این اصل حتی اگر دختر آمادگی جسمی نیز نداشت، هر چه زودتر باید ازدواج می‌کرد، زیرا در این